

## الگوی سعادت از دیدگاه خواجه طوسی (چیستی، ملاک مراتب و مؤلفه‌های تحقق خارجی آن)

فرشته ابوالحسنی نیارکی\*

محمد نادری\*\*

### چکیده

جستار حاضر به تحلیل سعادت نزد طوسی می‌پردازد. در تحلیل سعادت، چیستی، ملاک، مراتب و مؤلفه‌های تحقق خارجی آن بررسی می‌گردد تا نهایتاً به الگوی طوسی و ترسیم هرم ارزشی مراتب سعادت نزد وی دست یابیم. سعادت از دیدگاه طوسی، لذت همه جانبه و نیل همه جانبه به کمالات است. براساس ذومراتب بودن کمال و لذت، سعادت نیز مراتب می‌یابد و هرم ارزشی طولی مراتب سعادت قابل تصویر است. سعادت نزد طوسی در نظریه ارسطویی کمال قوای عرضی نفس ناطقه (فضیلت) خلاصه نشده بلکه وی از سعادت قصوی نظریه پرداز می‌کند که خود شامل بر دیگر مراتب سعادت است. خیرهای خارجی و بدنی، رهایی از رذایل نفس، نیل به فضایل، عدالت (فضیلت قوه عملی)، و علم از مؤلفه‌های طولی تحقق خارجی سعادت است که اهمیت آنها در مدخلیت در تحقق سعادت یکسان نیست.

### واژگان کلیدی

طوسی، سعادت، لذت، کمال، فضیلت، خیرهای خارجی و بدنی.

fabolhassani@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۱۰

\*. دانش‌آموخته دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تهران،

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۵

## طرح مسئله

سعادت‌گرایی<sup>۱</sup> یکی از مکاتب غایت‌گرا است که در پاسخ «هدف از اخلاقی زیستن چیست؟»، سعادت را غایت فعل اخلاقی برمی‌شمرد. از نظر طرفداران این مکتب، معیار تعیین خوب و بد و درست و نادرست اعمال اختیاری آدمی، نیل به سعادت یا مقابل آن است. سعادت‌گرایان اگرچه در بیان ملاک درستی یا نادرستی و سعادت به‌مثابه غایت فعل اخلاقی مشترک‌اند، در بیان مفهوم، مصداق، عناصر و عوامل تشکیل‌دهنده آن اختلاف نظر دارند.

خواجۀ طوسی در اخلاق‌نگاری فلسفی - عقلی نظیر *اخلاق ناصری*، برخی رسائل کوتاه (مانند *الرسالة النصيرية*) و آثار متقدم اخلاقی نظیر *اخلاق محتشمی*، سعادت را غایت‌الغایات اخلاق و بلکه فراتر از آن، حیات انسان معرفی کرده‌اند. تأکید بر سعادت در نظریه اخلاقی طوسی در قالب غایت‌نهایی بشر و رأس هرم مطلوب‌های آدمی، به‌معنای تطبیق نظریه او با نظریات غایت‌گرای سعادت‌گرا نیست. غایت‌گرایی یکی از انواع نظریات در حوزه اخلاق هنجاری است که ملاک‌نهایی درستی و نادرستی افعال آدمی را براساس غایات افعال یا همان ارزش غیراخلاقی‌ای که به وجود می‌آورد، محاسبه می‌کنند. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۵؛ گنسلر، ۱۳۸۵: ۲۵۲)

اخلاق طوسی، اگرچه مبتنی بر جستجوی سعادت و نیک‌بختی است، این به‌معنای خاص موردنظر غایت‌گرایان سعادت‌گرا نیست. سعادت‌گرایی، با عمل انسان سروکار دارد؛ البته عملی که فی‌نفسه، صرف‌نظر از هر ملاحظه دیگری، حق و درست است؛ بلکه عملی که به سعادت و خیر انسان رهنمون می‌شود؛ اما از دیدگاه طوسی، همه‌چیز به سبب نقش در تحقق سعادت ارج و قرب نمی‌یابند؛ زیرا وی معتقد به حسن و قبح عقلی اعمال است (طوسی، ۱۳۳۵: ۲۸؛ همو، ۱۴۰۷: ۱۹۷) و غایات و افعال آدمی از دیدگاه او، علاوه بر نقش آن در نیل به سعادت، بالذات و فی‌نفسه نیز مفید و مطلوب‌اند.

طوسی فراتر از زیست فردی، به سعادت در مقیاس مدنی و اجتماع نیز اشاره می‌کند. سعادت از دیدگاه وی دارای ساحات مختلف است: سعادت نفسانی، سعادت بدنی و سعادت مدنی و اجتماعی. (همو، ۱۳۸۷: ۱۵۴) هدف این جستار، بیان سعادات نفسانی و فردی است، نه سعادت در مقیاس مدنی و اجتماعی.

اندیشمندان علاوه بر سعادت این‌جهانی (سعادت مقید)، از سعادت اخروی (سعادت مطلق) نیز سخن به میان می‌آورند. هدف این مقاله، بیان مطلق سعادت (به نحو لابلشرط) است. طوسی به

1. Eudemonism

نقل از ارسطو<sup>۱</sup> می‌نویسد:

سعادت را مدارج و مراتب بود و به قدر سعی حاصل می‌آید به تدریج، تا چون به درجه اقصی رسد، سعید تام شود و اگر چه در قید حیات باشد و چون سعادت تام حاصل آید، به انحلال بدن زائل نشود. (همان: ۸۶)

پژوهش درباره ارکان سازنده سعادت نزد اخلاق‌دانان مسلمان ضروری است؛ ما خواجه طوسی را در این جستار برگزیدیم و از اندیشه‌های او درباره سعادت با برخی کران‌مندی‌های پیش‌رو سخن می‌گوییم. جستار پیش‌رو با تحلیل سعادت، تلاش دارد به مسائل زیر در چهار ساحت کلی پاسخ دهد:

۱. تعریف سعادت از منظر طوسی چیست؟
  ۲. ویژگی‌های سعادت (آیا طوسی سنجه و ملاکی برای تشخیص مصداقی سعادت از غیر آن ارائه داده است؟
  ۳. (اقسام و مراتب سعادت) آیا سعادت، رسیدن به اعتدال در قوا (فضیلت) است یا دارای مراتب و مدارج بالایی و فراتر از فضیلت است؟
  ۴. عناصر و عوامل تحقق خارجی سعادت کدام‌اند؟
    - ۴ - ۱. رابطه فضیلت و سعادت چیست؟
    - ۴ - ۲. کدام فضیلت، مؤلفه تحقق سعادت است؟ علم یا عمل یا هر دو؟ آیا سعادت، جامع علم و عمل است یا یکی از این دو در سعادت، بر دیگری غالب است (مثلاً تفسیر عقل‌گرایانه)؟
    - ۴ - ۳. آیا سعادت، خیرهای بدنی و خیرهای خارجی (ثروت، افتخار و ...) را نیز در بردارد؟ مدخلیت هر یک از آنها در سعادت چیست؟
  ۵. راه‌ها و الگوی رسیدن به مراتب سعادت نزد طوسی کدام است؟ آیا هر یک از عوامل و شرایط سعادت، به یک اندازه در تحقق آن دخیل‌اند یا برخی بر دیگری مقدم‌اند؟
- تعریف، ویژگی‌ها، اقسام و مراتب سعادت و عوامل تحقق سعادت نزد طوسی و نیز الگوی نیل به مراتب و مراحل کسب سعادت، ما را به هرم و الگوی سعادت نزد ایشان رهنمون می‌شود. بنابراین برای جستجوی الگوی مورد نظر وی باید تمامی موارد بررسی شود تا دست‌آخر به هرم سعادت نزد خواجه طوسی دست یابیم.

۱. این بیان ارسطو را بنگرید: فصل یازدهم از کتاب اول نیکوماخس. (ارسطو، ۱۳۸۱: ۱ / ۷۵ به بعد؛ ۱۱۰۰ الف به بعد (1100a))

## الف) چیستی سعادت

طوسی در شرح اشارات بهجت و سعادت را به حالت حاصل (در مجردات تام و کامل) یا حاصل‌شونده (در مجردات غیرتام) صاحب‌خیر و کمال از جهت خیر و کمال تفسیر می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۳۴) در اخلاق ناصری نیز بسان ابن‌مسکویه در تهذیب الاخلاق (۱۳۸۱: ۱۴۳) می‌نویسد:

سعادت آن است که طلب التذاذ کند به لذتی که در سیرت ثابت و دائم حکمت باشد تا آن را شعار خویش کند و به چیزی دیگر مایل نشود. (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۳ و ۹۵)

یعنی لذت از سیرت حکیمانه سعادت است. سعادت نوعی ادراک و احساس لذت از نوع خاصی از زیستن است. طوسی در اخلاق ناصری، به تحلیل مؤلفه‌های مفهوم سعادت پرداخته است: «سیرت حکیمانه» و «لذت» مؤلفه‌های مفهوم سعادت‌اند. (همان: ۹۶) وی براساس تمایز سه‌گونه سیرت اصناف مردم، به زیست و سیرت حکما اشاره می‌کند: «و سیم سیرت حکمت که غایت افعال نفس ناطقه بود». (همان) براین اساس، زیست حکیمانه که همان غایت نفس ناطقه است، براساس تنوع قوای نفس ناطقه (قوة نظری و قوة عملی)، مشتمل بر کمالات علمی و عملی است (همان: ۶۹، ۷۹ و ۵۷) و این کمالات که مقوم سیرت حکیمانه هستند، انعکاسی نفسانی (ادراک، حالات و لذات) می‌یابند و التذاذ از چنین لذتی سعادت است.

وی لذت را به سه نوع: لذات حسی ظاهری، حسی باطنی و حقیقی و عقلی تقسیم می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۳۵ و ۳۳۶) حال مقصود او از لذت در تعریف سعادت انسانی چیست و کدام نوع از انواع لذات را شامل است؟ وی در اخلاق ناصری «لذت از سیرت حکمت» را سعادت دانسته است. با این بیان، هر لذتی سعادت نیست؛ بلکه آن لذتی سعادت است که از نوعی زیست حکیمانه برآید. وی چنین لذتی را لذتی عقلی، فعلی و الهی می‌داند. (همو، ۱۳۸۷: ۹۸)

اکنون پرسشی باقی است: آیا تأکید بر لذت و سعادت عقلی، به معنای نفی دیگر انواع لذت و سعادت است یا لذت و سعادت عقلی، مرتبه‌ای است که خود، شامل دیگر انواع لذات و سعادت می‌شود؟

تعریف طوسی در شرح اشارات، تعریفی عام و شامل انسان و مجردات تام (عقول و واجب) است. (همو، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۳۴) با این بیان، مراد وی بیان سعادت و شقاوت عقلی و یا لذت و درد عقلی است، نه مطلق سعادت و شقاوت که شامل مراتبی است. بر این اساس، طوسی در شرح اشارات به صراحت، بهجت یا لذت و سعادت را مترادف دانسته و تعریف یکسانی از هر دو ارائه

داده است. بنابراین حصول لذت همان سعادت است و لذت و سعادت در عالمِ مصداق مساوی‌اند؛ یعنی سعادت و لذت، دو نام برای یک حقیقت‌اند؛ البته لذت و سعادت عقلی.

تعریف طوسی در *اخلاق ناصری* مختص به سعادت انسانی است و سعادت، لذتی از سیرت حکمت است و تنها چیزی که بر آن تأکید شده، انطباق لذت از سیرت حکیمانه بر مفهوم سعادت است. اینکه لذت از سیرت حکیمانه سعادت است، قابل انکار نیست؛ اما طوسی در تعریف خود از سعادت، مشخص نکرده است که آیا دیگر انواع لذات نیز در مفهوم سعادت جای می‌گیرند یا خیر. البته تحلیل سیستمی دیدگاه وی می‌رساند که لذت از سیرت حکیمانه در باب انسان، خالی از مراتب پایین‌دستی لذات نیست؛ توضیح آنکه، اگرچه سعادت حقیقی نزد او تنها سعادت عقلی است (سیرت حکیمانه) و لذت عقلی، شرط لازم و کافی سعادت است، چنین تأکیدی به معنای نفی دیگر مراتب لذات و سعادات نیست؛ بلکه خود شامل دیگر مراتب است. لذت، امری ذومراتب است و از مراتب پایینی مثل لذات جسمانی تا لذات عقلی را دربر می‌گیرد و ذومراتب بودن لذت، با ذومراتب بودن سعادت نزد وی سازگار است؛ زیرا از منظر او، نیل به سیرت حکمت، بدون رهایی از آلام و رنج‌ها ممکن نیست. (همو، ۱۳۸۷: ۶۷) بنابراین سعادت عقلی، شامل دیگر مراتب سعادات، یعنی رهایی از آلام نیز هست. بنابراین لذت عقلی نیز شامل لذات حسی و جسمانی است. البته لذات بدنی و رهایی از آلام، تمام سعادت نیست. (همان: ۷۳)

#### ب) سنجه و ملاک سعادت

پس از تعریف سعادت، برای تعیین مصداق و تمایز مصداقی سعادت از مفاهیم مشابه، ارائه ملاک‌ها، ریزملاک‌ها و نشانگرها که بیان ویژگی‌ها و احکام سعادت‌اند، ضروری است. ارسطو در *نیکوماخس*، خیر اعلا را کامل‌ترین خیر می‌داند و به اعتقاد او، سعادت: ۱. مطلوب بالذات؛ ۲. به خود مکتفی (مستغنی از غیر)؛ ۳. پسندیده‌ترین امور است. (ارسطو، ۱۳۸۱: ۶۴ - ۶۳، ۱۰۹۷ ب)

طوسی در *اخلاق ناصری* به نقل از ارسطو، ثبات (غیر متغیر)، دوام و ایمن بودن از انتکاس و انحطاط را، سنجه و ملاک سعادت شمرده است. (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۴ - ۹۳) ایمنی و مصونیت، از ویژگی‌های سعادت در *فن خطابه* ارسطو است. (Rhetori, 1984: 1360 b 28 - 15) البته ارسطو در *نیکوماخس* نیز در مقام بیان چیستی سعادت، به همیشگی و دائمی بودن آن تأکید کرده است. (ارسطو، ۱۳۸۱: ۱ / ۶۶ / ۱۰۹۸ الف) وی سعادت را امری ثابت می‌داند که معلول صُدْفه نیست. (همان: ۷۶ / ۱۱۰۰ ب) به زعم طوسی، سعادت تنها از طریق «رویت و عقل»

حاصل می‌آید. (طوسی، ۱۳۸۷: ۸۴) به تحقیق، سنجه و ویژگی‌هایی که اندیشمند از سعادت برمی‌شمارد، در تصوّر او از عوامل و مؤلفه‌های تحقق خارجی سعادت مؤثر می‌افتد. اگر سعادت را خودبسنده و مکتفی بالذات برای حیات پسندیده بدانیم، باید تمامی عواملی را که در حیاتی پسندیده دخیل‌اند، از عناصر سعادت بدانیم.

### ج) مراتب و گونه‌های سعادت

سعادت فردی از دیدگاه طوسی دارای مراتب طولی است. (همان: ۸۶ و ۹۰) وی سعادت را حرکت ضمیر در طریق حقیقت و اکتساب فضیلت تا رسیدن به والاترین مرتبه از مراتب وجود می‌داند. (همان: ۶۵) بر این اساس، سعادت نوعی استکمال، شدن و صیوروت برای نیل به مراتبی است.

#### ۱. فضایل قوای عرضی نفس در پرتو رعایت اعتدال و وسط

مراتب پایین‌دستی و ابتدایی سعادت، در قیاس با کمال و فضایل قوای نفس (قوای عرضی نفس) قابل طرح است. این مرتبه از سعادت، بسان اخلاق ارسطویی، از تکمیل قوای نفس در پرتو رعایت «وسط» و نیل به فضایل چهارگانه سخن می‌گوید. تحلیل فضایل قوا در پرتو رعایت اعتدال، در اخلاق‌نگاری فلسفی - عقلی طوسی به پیروی از اخلاق افلاطونی - ارسطویی است. ارسطو با «برهان کارکرد»، سعادت را به کارکرد مخصوص نوع انسانی، یعنی در نیل به فضایل قوای علمی و عملی نفس ناطقه معرفی می‌کند؛ (ارسطو، ۱۳۸۱: ۱ / ۶۶ - ۶۵، ۱۰۹۷ ب - ۱۰۹۸ الف) زیرا از نظر وی، کارکرد شایسته یک چیز، فضیلت آن چیز است. (همان: ۲ / ۱۲، ۱۱۳۹ الف) بستر تحقق فضیلت نزد او نیز در رعایت حد وسط و دوری از افراط و تفریط است. (همان: ۱ / ۹۰، ۱۱۰۴ الف) با این مقدمات می‌توان گفت ارسطو رعایت حدوسط در قوای مختلف نفس ناطقه آدمی را همان سعادت او می‌داند.

#### ۲. سعادت قصوا و نیل به مرتبه تجرد و عقل

سعادت در تفکر اشراقی، فراتر از رعایت حدوسط قوا معرفی می‌شود و در بالاترین مدارج، به اتصال با عقل فعال (افلوپلین، فارابی، بوعلی)، و حتی بالاتر از آن، در تصویری عرفانی به اتحاد با عقل فعال (نظیر دیدگاه صدرا) (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۲۵۰) قابل طرح است. البته ارسطو نیز در مواردی به «تشبه به خداوند» به مثابه مدارج نهایی سعادت (حیات تأملی) اشاره کرده است؛ (ارسطو، ۱۳۸۱: ۲۳۵ / ۱۱۷۸ ب) ولی او در این باب، نظریه‌پردازی نمی‌کند.

سعادت در نظام فکری طوسی نیز تنها به سعادت قوای نفس خلاصه نمی‌شود؛ بلکه سعادت با ذات نفس مرتبط است (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۱) که البته شامل کمالات قوا (در رعایت وسط و اعتدال) و بلکه فراتر از آن است و سیر در مدارج طولی و نوعی حرکت ضمیر در نیل به تجرد بالفعل (از ماده و لواحق آن) است. این مرتبه نیز دارای مراتب است و آخرین درجه از مراتب سعادات، سعادت قصوا یا عظما یا سعادت حقیقی است.

طرح سعادت قصوا، در اخلاق‌نگاری سلوکی - عرفانی طوسی، نظیر شرح اشارات آمده است. البته اگرچه او در اخلاق ناصری و اخلاق‌نگاری عقلی غالباً از کمال قوا و فضایل حاصل از رعایت اعتدال سخن می‌گوید، در این آثار، از سعادت قصوا و مراتب طولی سعادات غافل نمی‌شود و اشاراتی در این باب دارد. او در اخلاق ناصری مراتب فضایل و سعادات را برشمرده است: مرتبه اول، رعایت حد اعتدال است تا اینکه به مرتبه «فضیلت الهی محض» انتقال می‌یابد و آخر مراتب فضیلت آن است که «افعال مردم همه الهی محض شود». (همان: ۹۱ - ۸۹)

طوسی در اخلاق ناصری، آخرین مدارج سعادات را با عناوینی چون «سعادت ابدی»، (همان: ۶۵) «سعادت اقصا»، (همان: ۷۱) «سعادت حقیقی»، (همان: ۸۱ / ۲۷۵) «سعادت تام»<sup>۱</sup> (همان: ۷۳، ۸۶) و «سعادت عظماء» (همان: ۸۶) ذکر کرده است. همچنین آخرین مدارج کمال به‌گونه‌های مختلفی آمده است: «نیل به عالی‌ترین مراتب وجود»، (همان: ۶۵) «تمثل عالم وجود در نفس حکیم؛ عالم صغیر شدن حکیم»، (همان: ۷۱) «شرف قربت باری تعالی»، (همان: ۷۱) «دوری از مادیات و تجرد از ماده و نیل به مراتب روحانیات»، (همان: ۸۷) «مشاهده جمال مقدس علویات و حکمت حقیقی»، (همان: ۸۷) «تحلی به صفات جلال حق»، (همان) «مستتیر بودن از انوار الهی و کسب فیض از آثار نامتناهی الهی»، (همان: ۸۸) «فضیلت الهی محض»، (همان: ۹۰) «تشبه به خیر مطلق، علت اولی و مبدأ اول (خداوند)»، (همان: ۹۰، ۹۱ و ۳۴۱) «نیل به مرتبه عقل بالفعل و عقل محض»، (همان: ۹۳) «حیاتی الهی»، (همان: ۲۸۷) «تخلق به اخلاق الهی و اقتدا به افعال او» (همان: ۲۷۵) و ... .

وی در شرح اشارات، به سعادت قصوا و کمال عقلی اشاره می‌کند. (طوسی، ۱۳۷۵: ۲ / ۳۵۸) او نیل به مرتبه عقل مستفاد را سعادت قصوا می‌داند و در الرسالة النصیریة نیز تجرد از ماده و نیل

۱. طوسی «سعادت تام» را گاه حصول تمامی شرایط اولین مرتبه سعادت، نظیر لذت، خیرهای خارجی و فضیلت می‌شمارد (۷۳) و گاه این واژه را برای آخرین مرحله از مراحل کمال (مراتب طولی) نیز استفاده می‌کند. (طوسی، ۱۳۸۷، ۸۶، ۸۸)

به عالم نورانی ابدی را غایت حکمت، و حکمت را سعادت می‌داند. (همو، ۱۴۰۵: ۵۰۲)

خواجه در فراتر رفتن از حدوسط ارسطویی و تصویرسازی مراتب طولی سعادات، وامدار عرفان فارابی، اشراقی‌گری بوعلی و شیخ اشراق و دیگران است. پیش از این نیز افلاطون و فلوطین، (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۱ / ۵۴۲؛ افلوطین، ۱۹۹۷: ۷۰ به بعد) دیدگاهی اشراقی از سعادت نفس ارائه کرده بودند. افلاطون تأمل انسان دربارهٔ مُثُل را جزء مقوم و مکمل سعادت بشری و تشبّه او به خداوند می‌داند و عمل و سعادت الهی را سرمشق سعادت انسان می‌شمارد. (کاپلستون، ۱۳۸۰: ۲۵۱؛ تئتوس، ۱۷۶ الف ۵ - ۴)

بوعلی به تمایز فضایل و سعادت قوای مختلف نفس (رسیدن هر قوه به فضایل خاص خویش) با سعادت ذات نفس توجه داده است. سعادت ذات نفس نیز از حیث ذات و تعلق به معقولات (تجرد کامل نفس) و نیز از حیث تعلق تدبیری به بدن (عدالت در افعال و هیئت استیلائی) متفاوت است. (ابن‌سینا، ۱۳۶۳: ۱۰۹)

کندی نهایت سعادت را در «تجرد از ماده و اتحاد با صور نورانی» (کندی، ۱۹۵۰: ۲۷۴) و ابن‌رشد آن را در «اتصال با عقل فعال» (ابن‌رشد، ۱۹۵۰: ۱۱۹) می‌داند. فارابی «نیل به مرتبه عقل فعال» (فارابی، ۱۹۹۶: ۲۷، ۲۳ و ۵۵) و «مفارقت از ماده» (همو، ۱۹۹۵: ۱۰۱) و بوعلی نیز «ترسیم کل نظام هستی در نفس حکیم؛ عالمی عقلی شود بسان عالم خارجی»، (ابن‌سینا، ۱۳۸۳: ۸۲ - ۸۰) «تجرد تام و دستیابی به مرتبه عقل» (همو، ۱۳۶۳: ۱۱۹) و «دستیابی به بقای سرمدی» (همو، ۱۴۰۰: ۲۶۰) را غایت قصوا و سعادت قصوا می‌داند. صدرا نیز مجموع دیدگاه‌های اندیشوران را در تفسیر سعادت نفس آورده است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۹ / ۱۲۸)

#### د) عوامل و شرایط تحقق خارجی سعادت

رصد مؤلفه‌ها و شرایط سعادت نزد طوسی، ما را در نیل به معرفت به مصداق سعادت رهنمون می‌شود. مقصود از عوامل و شرایط تحقق خارجی سعادت، بیان مؤلفه‌ها و ارکان سازندهٔ سعادت در عالم خارج و مصداق است.

براساس مراتب گوناگون سعادت، ارکان و عوامل سعادت نیز مختلف خواهد بود. شرایط و ارکان سعادت از جهت درجهٔ رسیدن به مراتب سعادت مختلف‌اند:

۱. برخی از شرایط و عوامل، شرایط عام سعادت شمرده می‌شوند که در دیگر مراتب سعادت ضروری است و شرط لازم - نه کافی - انواع سعادت تلقی می‌شوند. این عناصر و عوامل نیز خود



از حیث دخالت در تحقق سعادت گوناگون‌اند؛ برخی از آنها، شرایط رکنی و ضروری تحقق سعادت‌اند که بدون آنها تحقق سعادت ممکن نیست؛ برخی نیز ضروری نیستند؛ بلکه در رساندن شخص به مدارج سعادت سودمندند. شیوه سودمند بودن این شرایط و عناصر غیررکنی نیز در تحقق سعادت گوناگون است؛ برخی از حیث زمینه‌سازی برای سعادت سودمند هستند، برخی ابزاری برای نیل به سعادت‌اند، برخی مکمل سعادت‌اند و ...

۲. برخی از شرایط نیز مختص هر مرحله (طولی) هستند و شرایط طولی مدارج سعادت، براساس هر مرحله متفاوت است.

در این مقام، تنها به ارکان کلی و عام سعادت می‌پردازیم. شرایط خاص هر مرتبه از مراتب کمال و مدارج سعادت نیز در آثار عرفانی (نظیر *اوصاف الاشراف* و *نمط نهم شرح اشارات*) آمده است. اندیشمندان، فضیلت، انواع لذت‌های جسمانی و حسی و باطنی، خیرهای خارجی و ... را از شرایط و عوامل تحقق سعادت می‌دانند. در این مقام، هر یک از این عوامل در نظریه سعادت طوسی واکاوی می‌شود.

#### ۱. رابطه فضیلت و سعادت

فضیلت، جزء سازنده و مقوم سعادت یا عین آن یا ابزار نیل به آن (نظریه ابزارنگاری) است؟ اگر فضیلت جزء سعادت است (جزء رکنی و ضروری)، آیا برای نیل به سعادت بسنده است (فرضیه بسندگی) یا برای نیل به سعادت، علاوه بر فضایل، عوامل دیگر نیز دخیل‌اند؟

طوسی فضیلت را از موجبات سعادت می‌شمارد. با این بیان، فضیلت از عناصر و شرایط رکنی و ضروری سعادت و از علل و عوامل آن است. به زعم وی، تکمیل قوای ناقصه آدمی، موجب سعادت است که به وسیله نیل به فضایل چهارگانه فراهم می‌آید. (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۲۲)

اینکه آیا طوسی فضیلت را تنها عامل سعادت می‌داند یا خیر، محتاج بررسی نقش دیگر عوامل (نظیر خیرهای خارجی و بدنی) در نظریه اوست. نظریه وی بسان ارسطو چنین نیست که فضیلت همچون سعادت باشد؛ بلکه فضیلت تنها گامی از گام‌ها و مرحله‌ای از مراحل نیل به کمال و در نتیجه رسیدن به سعادت است. ارسطو فضایل را کیفیت‌هایی می‌داند که دست یافتن به آنها فرد را قادر خواهد ساخت تا به سعادت نائل آید و فقدان آنها، او را از حرکت به سوی آن غایت (سعادت) باز می‌دارد؛ ولی به کار بستن فضایل در این معنا، وسیله‌ای برای آن هدف (خیر انسان) نیست؛ زیرا آنچه خیر را برای انسان به وجود می‌آورد، گذراندن زندگی کامل انسانی در

بهترین وجه است. به کار بستن فضایل، بخشی ضروری و اصلی در چنین حیاتی است و تنها یک عمل مقدماتی برای تأمین چنین حیاتی نیست؛ (مک‌این‌تایر، ۱۳۹۰: ۲۵۷) در حالی که نظریه اخلاقی طوسی به فضایل محدود نمی‌شود و بالاتر از آن، به سعادت و کمالات بالادستی اشاره دارد. بنابراین اگرچه فضایل در تأمین سعادت دخیل‌اند، نیل به فضیلت، به معنای نیل به بالاترین مراتب سعادت نیست.

## ۲. رابطه علم و عمل؛ وحدت‌گرایی (دیدگاه غالب) یا تکثرگرایی (دیدگاه جامع)

طوسی سعادت را لذت از سیرت حکیمانه می‌داند و سیرت حکیمانه را نیز غایت نفس ناطقه می‌شمارد. بر اساس تنوع کمالات نفس ناطقه بر مبنای تنوع قوای نفس انسانی (عقل نظری و عقل عملی) این پرسش‌ها به میان می‌آید که: رابطه فضایل علمی و فضایل اخلاقی چیست؟ آیا سعادت، جامع فضایل عقلانی و اخلاقی است یا دیدگاه طوسی در این باب، به اولویت و تقدّم یکی نسبت به دیگری حکایت دارد؟ طوسی در تفسیر سعادت و نقش فضایل و کمالات علمی و عملی، وحدت‌گرا است (یک فضیلت) یا تکثرگرا (فضایل)؟

### یک. گزارش دیدگاه اندیشمندان

اندیشمندان درباره نقش فضایل و کمالات نفس ناطقه (کمال علمی و عملی) در سعادت، دیدگاه‌های مختلفی ارائه داشته‌اند. که می‌توان آنها را به سه دیدگاه: ۱. دیدگاه حصرگرایانه (خردگرایی)؛ ۲. دیدگاه جامع فضایل علمی و عملی؛ ۳. دیدگاه غالب<sup>۱</sup> (تفسیر عقل‌گرایانه معتدل)، تقسیم کرد.

در دیدگاه حصرگرایانه، تنها یک نوع از انواع فضایل و غالباً فضیلت بُعد نظری نفس، موجب تحقق سعادت است (نظیر عقیده سقراط و تأکید ارسطو بر «تأمل» در کتاب دهم نیکوماخس). در دیدگاه جامع، فضایل و کمالات علمی (بُعد نظری) و فضایل و کمالات اخلاقی (بُعد عملی) هر یک به نحو مستقل و با منزلتی یکسان، در تحقق سعادت دخیل‌اند (نظیر دیدگاه ارسطو در کتاب اول نیکوماخس و فارابی در *التبیه علی سبیل سعاده*) در دیدگاه غالب، اگرچه هر دو نوع فضایل علمی و عملی در سعادت دخیل است، یکی از انواع فضایل بر دیگری اولویت دارد که اندیشمندان غالباً بعد نظری را دارای اولویت می‌دانند (دیدگاه عقل‌گرایانه معتدل). البته رواقیان، فضایل اخلاقی را مقدم و اولی می‌دانستند. (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۱۸۵) اندیشمندان عقل‌گرا، در تبیین

۱. اصطلاح «غایت جامع» و «غایت غالب»، برگرفته از بیان شارحان ارسطو (البته نه مطابق و نظیر اصطلاح ایشان) در نظریه سعادت است. (Hardi, 1967: 299)

معنای «تأمل»، مصداق و کیفیت تحقق فضایل علمی متفاوت‌اند. همچنین این اندیشمندان در معنای «اولویت» هم‌رأی نیستند.

مقصود از «اولویت» در نظرگاه این اندیشمندان، خود قابل طبقه‌بندی است:

۱. اولویت یکی از عوامل، به معنای نفی دخالت دیگر عوامل در تحقق سعادت است و دیگر عوامل، خارج از ماهیت سعادت بوده، تنها نقش زمینه‌ساز یا ابزاری دارند. این به نظریه حصرگرایی در سعادت باز می‌گردد. دیدگاه صدرا در مبدأ و معاد چنین است. (مالصدرا، ۱۳۵۴: ۳۶۶)

۲. اولویت یکی به معنای نفی دخالت دیگر عوامل نیست و تنها بیان تقدّم، امتیاز و شرفیت آن است و دیگر فضایل نیز از شروط لازم - نه کافی - سعادت شمرده می‌شوند. نظریه دوم برحسب عامل امتیاز متنوع می‌شود. فارابی در تحصیل السعادة، آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداته و فصول منتزعه و بوعلی و صدرا در اسفار بر این رأی‌اند. از میان ایشان، (۱) برخی تزکیه در بعد عملی را مقدمه کمالات علمی می‌دانند؛ (۲) برخی کمال علمی را سودمند و ضروری در کمال عملی می‌دانند؛ (۳) شماری هم با توجه به مراتب طولی سعادات و غایت و سعادت قصوا، به بالاترین مرتبه انسانی (نیل به عقل فعال) اشاره می‌کنند.

برتری فضیلت علمی بر فضیلت عملی در فلسفه ارسطویی، به معنای اولویت یک قوه عرضی بر دیگر قوا است. در سنت اندیشه اسلامی نیز این برتری در مراتب طولی سعادات و نقش فضایل علمی در نیل به مرتبه عقل بالفعل و سعادت قصوا (آخرین مدارج طولی کمال) تفسیر می‌شود. جدول (۱) بیان‌کننده گزارش دیدگاه اندیشمندان در این زمینه است.

جدول (۱): دیدگاه اندیشمندان در باب فضایل جامع و غالب سعادت

دیدگاه غالب	دیدگاه جامع	دیدگاه حصرگرایانه	اندیشمندان
			۱ سقراط
	کتاب جمهوری: اعتقاد به فضایل اربعه (افلاطون، ۱۳۹۰، ۲۵۴ به بعد / plato, 1997: 441 - 442)	معرفت، تنها عامل سعادت است. (plato, 1997: 279 a - 281e)	۲ افلاطون
	کتاب اول نیکوماخس: اودایمونیا در مجموع تأمل و فضایل اخلاقی	مکالمه‌های دوره‌های اولیه؛ یکی گرفتن فضیلت با معرفت (کاپلستون، ۱۳۸۰ / ۳۵۳)	۳ ارسطو
فضیلت نظری مقدم بر فضیلت فکری (همان: ص ۷۵) و فضیلت فکری مقدم بر فضیلت خلقی است.	سعادت در نیل به فضایل نظری، فضایل فکری، فضایل خلقی و صناعات عملی (فازابی، ۱۴۱۳: ۴۹)	کتاب دهم نیکوماخس: سعادت مرتبط با نوس (Nous) و قوه تأمل (Contemplation) است. (ارسطو، ۱۳۸۱: ۲ / ۲۲۵)	۴ تخصیص سعادت
	سعادت در این است که افعال و احوالی که انسان را شایسته سرزنش و ستایش می‌کند، شایسته و درست باشند؛ از جمله: ۱. افعال بدنی؛ ۲. عوارض نفس؛ ۳. تمییز به وسیله ذهن. (همو، ۱۹۸۷: ۵۰)		التنبیه علی سبیل سعادت

دیدگاه غالب	دیدگاه جامع	دیدگاه حصرگر ایانه	اندیشمندان
<p>قوه عملی ناطقه در خدمت نظری است و نظری در خدمت امری نیست. (همان: ۱۰۲)</p> <p>جزء نظری، سودمند و ضروری است در جزء عملی (همان: ۹۸ - ۹۶)</p> <p>۱. اتصال با عقل فعال (همو، ۳۳۷ / ۳: ۳۵۸ / ۲: ۳۷۵)</p> <p>۲. مطابق نظام عینی، نظام عقلی در نفس مرتسم گردد. (همو، ۱۳۸۳: ۸۲ - ۸۰)</p> <p>۳. «تجرد تام و دستیابی به مرتبه عقل» (همو، ۱۳۶۳: ۱۱۹)</p> <p>حکمت در مسیر سعادت دارای اولویت است. (همان، ۱۴۰ و</p>	<p>سعادت آن است که انسان، جوهر مفارق با ماده شود و نیل انسان به این مرتبه از طریق افعال ارادی، چه فکری و چه بدنی است. (همو، ۱۹۹۵: ۱۰۱ - ۱۰۰)</p> <p>سعادت به وسیله فضایل محقق می‌شود. (همو، ۱۴۰۵: ۴۶ - ۴۵) فضایل دو گونه اند: فضایل نظفی و خلقی. (همان: ۳۰ و ۴۷)</p> <p>سعادت از طریق کسب کمالات عقل نظری و کمالات عقل عملی - باهم - حاصل می‌آید. (ابن سینا، ۱۳۶۳: ۱۰۹: ۱۴۰۰: ۲۶۰ به بعد: ۱۴۰۴: ۴۳۰ - ۴۲۸: ۳۷۵: ۳ / ۳۵۱)</p> <p>سعادت از طریق کسب فضایل خلقی و فضایل عملی است. (همو، ۱۳۷۱: ۱۱۹)</p> <p>سعادت در مجموع فضایل علمی و فضایل عملی است. (ابن مسکویه، ۱۳۸۱:</p>	<p>رهایی از ماده و نیل به مرتبه عقل فعال (همو، ۱۹۹۶: ۲۷)</p>	<p>السیاسة المدنية</p> <p>آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداته</p> <p>فصول منتزعة</p> <p>الهیات شفاء المبدأ و المعاد رسالة فی سعادة اشارات (نمط هشت) مباحثات</p> <p>ابن مسکویه</p>
			۵
			۶

دیدگاه غالب	دیدگاه جامع	دیدگاه حصركر ایانه	اندیشمندان
<p>۱۴۲: همو، بی. تا، ۱۵ - ۳۴</p> <p>۱. کمال قوه نظری بر کمال قوه عملی اولویت دارد. کمال قوه عملی، مقدمه کمال علمی است. (همو، ۱۹۸۱: ۱ / ۴ - ۳)</p> <p>۲. قضیت نفس به جنبه نظری آن است و جایگاه اولی در سعادت آدمی دارد (همو، ۱۳۵۴: ۳۶۶) و جنبه عملی، تنها در اکتساب علوم حقیقی مؤثر است. (همان: ۲۶۱)</p> <p>۳. «فسعاده النفس و کمالها هو الوجود الاستقلالی المجرود التصور المعقولات والعلم بحقایق الاشیاء علی ما هی علیها ومشاهده الامور العقلیه و الذوات التوریه» (همو، ۱۹۸۱: ۹ / ۱۳)</p>	<p>دیدگاه جامع</p> <p>۶۴ و ۹۲</p> <p>غایت مطلوب نفس آدمی، کمال عقلی است که مشتمل بر کمال قوه نظری و کمال قوه عملی است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۲ / ۱ - ۱: ۳۵۴: ۳۶۶)</p>	<p>دیدگاه حصركر ایانه</p>	<p>اندیشمندان</p> <p>صدرا</p> <p>۷</p>

## دو. بررسی دیدگاه طوسی

طوسی دربارهٔ رابطهٔ علم و عمل در تحقق سعادت، گاهی دیدگاه جامع فضایل را بیان می‌کند و در مواضعی، با فراتر رفتن از دیدگاه جامع، به دیدگاه غالب و اولویت بُعد نظری و فضایل آن بر بُعد عملی و فضایل آن اشاره کرده است. وی در تشریح معنای «اولویت»، بیان‌های متعددی دارد. اولویت نزد طوسی را نیز می‌توان از دو حیث ملاحظه کرد: از حیث قوای عرضی نفس ناطقه (بهیمی، سبعی و ملکی (عقل نظری و عقل عملی)) و از حیث مراتب طولی کمالات و سعادات آدمی و غایت قصوا. اولویت از حیث قوای عرضی نفس ناطقه بدین معنا است که کدام قوه، مقدم، ذی‌المقدمه، برتر و شریف‌تر از دیگری است و در مراتب طولی سعادات به معنای آن است که نیل به کدامین مرتبه، غایت قصوا آدمی است.

اولویت، امتیاز و تقدّم کمال علمی (دیدگاه غالب) در اندیشهٔ طوسی، به معنای نفی دخالت کمالات عملی در گوهر سعادت آدمی نیست؛ بلکه هر دو قوه به نحو مستقل، شروط لازم در تحقق سعادت‌اند: «اهل علم را به کثرت علم امتحان مکن؛ بلکه اعتبار حال ایشان به تجنّب از شر و فساد کن ... حکیم کسی است که فکر و قول و عمل او متساوی و متشابه باشد»؛ (طوسی، ۱۳۸۷: ۳۴۳ - ۳۴۱) اگرچه یکی (علم) دارای منزلت بیشتری باشد. با این بیان، دیدگاه غالب طوسی با دیدگاه غالب ارسطویی متفاوت است؛ زیرا ارسطو در دیدگاه غالب، یگانه عامل در سعادت را تأمل می‌داند. البته برخی معتقدند تأکید ارسطو بر «تأمل» به معنای نفی دخالت عمل اخلاقی یا حتی دیگر عناصر نظیر ثروت و سلامت در ماهیت اودایمونیا نیست، بلکه این تنها بیان اولویت و ممتاز بودن تأمل از دیگر عناصر است. (Broadie, 1991: 32)

در دیدگاه جامع، طوسی کمال مرکب از هر دو کمالات قوهٔ نظری و عملی را عامل سعادت می‌داند: «پس کمال نظر به منزلت صورت است و کمال عمل به مثابت ماده. علم بی‌عمل ضایع بود و عمل بی‌علم محال. و کمالی که از هر دو مرکب باشد، آن است که غرض از وجود انسان خواندیم، ... پس چون انسان بدین درجه برسد ... پس انسانی تام مطلق باشد و به سعادت ابدی مستعد گردد». (طوسی، ۱۳۸۷: ۷۱ - ۷۰) در نبط هشتم شرح اشارات، نفوس کامل منزّه با عنوان «العارفون المنتزهون»، در دو بعد کمالات علمی و عملی ذکر شده است. (همو، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۵۴)

طوسی در دیدگاهی غالب، کمالات علمی را بر کمالات عملی اولویت می‌دهد. مقصود از «اولویت»، در قوای عرضی آدمی و سعادت در مدارج پایین‌دستی در چند محور تبیین شده است: الف) طوسی کمالات علمی را مقدّم بر کمال عملی می‌داند؛ زیرا نیل به کمالات عملی،

مقدمه نیل به کمال علمی است. وی در *روضه التسلیم* (اگر انتساب آن به وی صحیح باشد) می‌نویسد: «تا اخلاق مهذب نشود و جوهر نفس از قوای طبیعی و شوائب بهیمی و وسوس عاداتی و نوامیس امثله مجرد نگردد، نه صلاح دنیا حاصل آید و نه نجات آخرت متوقع باشد». (طوسی، ۱۳۶۳: ۸۵) در *اخلاق ناصری* نیز می‌نویسد: «طالب فضیلت، اول باید به اعتدال قوت شهوت، سپس قوت غضب کوشید، و بعد به تکمیل قوت نظری» (همو، ۱۳۸۷: ۱۵۴ - ۱۵۳) یا «نفس از استیلاي جسمانیات ضعیف می‌شود و به اجتناب از آنها قوت می‌گیرد و دوری از آنها معقولات و معلومات الهی را ظاهرتر می‌کند». (همان، ۵۲) صدرا نیز در مواضعی، در تحلیل تقدّم علم بر عمل، بر چنین نظری است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۱ / ۴ - ۳)

(ب) اولویت و تقدّم فضایل علمی به سبب نقش ادراک و علم در تحقق دیگر فضایل است. طوسی در *اخلاق ناصری* می‌نویسد: «عفت، سخاوت و شجاعت نیکو نیاید، آلا از مرد حکیم و شرایط آن تمام نشود، الا به حکمت، تا هر نوعی به جای خویش، به وقت خویش، به مقدار حاجت و بر مقتضای مصلحت به کار دارد». (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۳۰) همچنین وی در شرح اشارات، عقل عملی را عامل ادراکی در تحقق افعال اختیاری آدمی و دیگر فضایل می‌داند:

واعلم أن لهذه الحركات مبادئ أربعة مترتبة أبعدها عن الحركات هو القوة المدركة  
و هي الخيال أو الوهم في الحيوان و العقل العلمي بتوسطهما في الإنسان. (همو،  
۱۳۷۵: ۲ / ۴۱۱)

طوسی در مراتب بالادستی سعادات، یعنی سعادت قصوا نیز کمالات علمی را بر دیگر کمالات مقدم می‌دارد. اولویت کمالات علمی در این باب، به معنای نقش ایشان در تحقق مراتب بالادستی سعادات و غایت قصوا است. وی نیل به غایت و سعادت قصوا را در اتصال با عقل فعال و نیل به درجه عقل مستفاد می‌داند. (همان: ۳۵۸) در جایی دیگر در گزارش سخن بوعلی می‌نویسد: «لا يقعن عندك أن السعادة لا تنال أصلاً إلا بالاستكمال في العلم». (همان: ۳ / ۳۲۷) سعادت تنها در استكمال علمی نیست و دیگر فضایل را نیز دربر می‌گیرد؛ ولی نیل به کمال علمی، مراتب سعادت را اشرف و اکمل می‌سازد.

فیلسوفان مسلمان نظیر فارابی، بوعلی، ابن رشد، خواجه طوسی و صدرا، تفسیری غالب ارائه داده‌اند و تأمل و نظر را در سعادت بر فضایل اخلاقی اولویت می‌دهند. تفسیر ایشان از اولویت کمال علمی، مشیر به مراتب بالادستی و سعادت قصوا و اتصال با عقل فعال تا مرحله عقل



بالفعل یا عقل مستفاد است. براین اساس، سعادت از دیدگاه ایشان، متمایز از تفسیر ارسطو از غالب بودن یا منحصر بودن نقش تأمل در سعادت است. دیدگاه ایشان در این خصوص «نوافلاطونی» است؛ اگرچه برخی با تفسیری عرفانی، فراتر از اتصال، به اتحاد با عقل فعال اشاره کرده‌اند و از دیدگاه نوافلاطونی فاصله گرفته‌اند.

### ۳. رابطه سعادت با لذات جسمانی و خیرهای خارجی

ارسطو خیر را سه نوع می‌داند: ۱. خیرهای خارجی (نظیر ثروت، افتخار و اولاد)؛ ۲. خیرهای مربوط به بدن (مثل زیبایی)؛ ۳. خیرهای مربوط به نفس (فضایل). (ارسطو، ۱۳۸۱: ۱ / ۶۹، ۱۰۹۸ ب) طوسی در اخلاق ناصری به نقل از فرفورئوس، به انواع تقسیم‌های ارسطو از خیر اشاره نموده است. (طوسی، ۱۳۸۷: ۸۳ - ۸۲) وی همچنین در تجرید المنطق، از انواع خیرهای بدنی،<sup>۱</sup> خیرهای نفسانی<sup>۲</sup> و آنچه به خیر می‌انجامد،<sup>۳</sup> سخن می‌راند. (علامه حلی، ۱۳۷۱: ۲۸۷)

دیدگاه اندیشمندان درباره رابطه سعادت با لذات جسمانی و خیرهای خارجی در تحقق سعادت مختلف است:

۱. سقراط سعادت را تنها در یک نوع فضیلت (حکمت) می‌داند و براساس «اصل حاکمیت (مطلق) فضیلت»،<sup>۴</sup> زندگی فضیلت‌مندانه را همان زندگی سعادت‌مندانه تلقی می‌کند. (Plato, 1997: 205 a) (رک: محبوبی آرانی، حمیدرضا، ۱۳۹۱: ۸۲ - ۶۵) به اعتقاد او، نیل به فضیلت (آرته) در نیل به سعادت بسنده است (بسندگی و کفایت) و بلکه فراتر از آن، فضیلت همان سعادت است (یکسان‌نگاری). برخورداری از حکمت، صرف‌نظر از واجد بودن و فاقد بودن خیرهای خارجی، بدنی و بخت نیک، تأمین‌کننده سعادت است.
۲. افلاطون سعادت را به اجناس فضایل چهارگانه می‌داند و حصول این فضایل را در حصول سعادت کافی می‌شمارد و دیگر فضایل بدنی و غیربدنی در سعادت حظی ندارند. طوسی دیدگاه اندیشمندان پیش از ارسطو را - اعم از فیثاغورث، سقراط و افلاطون - چنین برمی‌شمارد. (طوسی، ۱۳۸۷: ۸۴ - ۸۳)

۱. كالتوة والصحة والجمال والنسب والثروة والفصاحة والصيت الحسن والبخت.

۲. كالعلم والذكاء والزهد والجود والشجاعة والعفة وحسن السيرة والأخلاق المرضية وحصول التجارب والصناعات.

۳. كالجهد والطلب وتحصيل الأسباب وانتهاز الفرص وموافاة (مواتاة) البخت.

۳. ارسطو سعادت را در انواع فضیلت در پرتو «قانون وسط» می‌داند. (ارسطو، ۱۳۸۱: ۱ / ۷۱ - ۷۰، ۱۰۹۹ الف) وی گاهی خیرهای خارجی را شرط مکمل سعادت می‌شمارد (نه از شرایط رکنی و ضروری آن) (همان: ۷۲) و گاه، خیرهای جسمانی و خارجی را از شرایط رکنی و ضروری سعادت - البته با اهمیت کمتری نسبت به دیگر عواملی چون فضیلت - می‌داند: «آدم سعادت‌مند علاوه بر خیرهای دیگر، نیازمند خیرهای جسمانی و خیرهای خارجی و امور مربوط به ثروت بدون رادعی (چون شکنجه یا ناکامی‌ها) است». (همان: ۲ / ۹۷) در جایی دیگر می‌نویسد: «البته سعادت چنان‌که گفتیم، به‌وضوح نیازمند خیرات بیرونی هم هست». (همان، ۱ / ۷۱ - ۷۰، ۱۰۹۹ الف) طوسی به نقل دیدگاه ارسطو پرداخته، سعادت را از دیدگاه او شامل پنج قسم می‌داند: «هرکس این اقسام او را حاصل باشد، سعید کامل بود علی‌الاطلاق». (طوسی، ۱۳۸۷: ۸۵)

۴. طوسی دیدگاه رواقیان را شامل سعادت نفسانی، سعادت جسمانی و خیرهای خارجی می‌داند. با این بیان، خیرهای بدنی و خارجی، داخل در حقیقت سعادت و از شرایط رکنی آن است:

و گفته‌اند سعادت نفسانی تا با سعادت جسمانی منضم نباشد، اسم تمامی بر او نیفتد و چیزهایی را که خارج بدن باشد و به بخت و اتفاق تعلق دارد، در قسم جسمانی شمرده‌اند. (همان: ۸۴)

دیدگاه طوسی در این زمینه ابهام دارد. وی در باب نقش خیرهای بدنی و خارجی در تحقق سعادت تفاسیر مختلفی دارد:

الف) خیرهای خارجی و بدنی، بسان فضایل نفسانی در سعادت دخیل‌اند: «فضیلت نفس، فضیلت جسم، پاکی اصل، دوده، نباهت، کرامت، یسار (ثروت)، وفور قوم، بخت نیک از عواملی است که هر که جامع اینها باشد، همگان او را کاملاً خوشبخت می‌دانند». (طوسی، ۱۳۶۱: ۵۵۰) البته «کاملاً»، واژه‌ای مهمی است؛ یعنی در صورت وجود همهٔ موارد، سعادت کامل است؛ ولی در مراتب پایینی آن شاید نیازی به چنین خیرهایی نباشد.

ب) بهره‌مندی از خیرات بدنی و خارجی در حد ضرورت و اقتصاد به جهت تأمین سلامت، از شروط لازم تحقق سعادت است. (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۶۲ - ۱۶۱) «و به حسن حال خارجی محتاج بود؛ لکن نباید همت بر آن مصروف داشت و جهد بسیار نمود. سعید کسی است که از خیرات خارج نصیب ایشان اقتصاد بود» (همان: ۲۷۸) و: «این لذات (لذات جسمانی و بدنی) به ضرورات بدنست، معالجت به لذات از جهت بقای بدن و دفع انحلال ترکیب آن است. علاج مرض سعادت تام و راحتی از آلم، خیر محض نیست». (همان: ۷۳) طوسی در *الرسالة النصيرية* نظیر سقراط،

وجود این خیرها را با موصوف بودن به وصف حکمت، سعادت می‌داند و در غیر این صورت، این موارد شر است. وی حد بهره‌مندی از آنها را نیز بیان می‌دارد. (طوسی، ۱۴۰۵: ۵۰۱)

ج) خیرهای بدنی و خارجی، خارج از سعادت هستند. طوسی در مواضعی، استحقاق مدح را تنها به فضایل چهارگانه می‌داند و معتقد است افتخار به شرف نسب و ثروت و ... سبب استحقاق مدح نیست:

هیچ‌کس مستحق مدح نشود، الا به یکی از این چهار، (اجناس فضایل چهارگانه) یا به هر چهار، کسانی که به شرف نسب و بزرگی دودمان فخر کنند، مرجع آن بود که بعضی از اسلاف ایشان به این فضایل موصوف بوده‌اند. (همو، ۱۳۸۷: ۱۰۹)

د) خیرهای خارجی و بدنی، مکمل سعادت‌اند، نه از ارکان آن. طوسی گاه سعادات خارجی و بدنی را «نور علی نور» خوانده که نبود آن در تحقق سعادت نقشی ندارد؛ بلکه تنها مکمل سعادت است. (همان: ۱۵۴ - ۱۵۳)

ه) بهره‌مندی از خیرات بدنی و خارجی، زمینه‌ساز یا ابزار نیل به سعادت است، نه از ارکان آن. وی به نقل از ارسطو می‌نویسد:

از جهت اظهار فضیلت او به دیگر سعادات خارج احتیاج افتد، و الا آن شرف پوشیده ماند و چون چنین بود، صاحبش مانند فاضلی خفته بود که فعل او ظاهر نشود؛ اما اگر با اطلاع بر حقیقت آن شرف متمکن شود، از اظهار آثارش لذت او لذتی تام و بالفعل باشد. (همان: ۹۶)

### ه) الگوی طوسی در ترتیب اکتساب و طریق نیل به سعادت

الگوی طوسی در نیل به سعادت چنین است: ابتدا سلامت نفس، سپس تحلیه و موصوف شدن به اوصاف و فضایل، سرانجام توجه به سعادت و اکمال به غیر.

طوسی تزکیه از بیماری‌ها و رذایل نفس را مقدم بر تلاش در نیل به فضایل و مراتب سعادت می‌داند. (طوسی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۸۹) فرد در مسیر سعادت، ابتدا باید به معالجه و ازاله بیماری‌های نفس پردازد (همو، ۱۳۸۷: ۱۵۵) تا در مرتبه بعد، در حفظ صحت و سلامت نفس بکوشد و سپس بر تحلی به اوصاف و مراتب بالادستی کمال و سعادت نائل آید؛ یعنی سلامت نفس، شرط لازم توجه به دیگر مراتب کسب فضایل و سعادت است:

فضیلت مردم از قوت به فعل آنگاه آید که نفس را از چنین رذایل فاحش و نواقص پاک کند، از بهر آنکه طیب تا ازاله علت نکند، امید صحت نتواند داشت ... ولیکن چون میل نفس انسانی از آنچه موجب نقص و فساد اوست، صرف کنند، به ضرورت قوت ذاتی او در حرکت آید و به افعال خاص خویش، که آن طلب علوم حقیقی و معارف کلی بود، مشغول می‌شود. (همان: ۶۷)

سلامت نفس از معالجه امراض و اکتساب فضایل است. طوسی ترتیب اکتساب فضایل را نیز بیان داشته است:

طالب فضیلت، اول باید به اعتدال قوت شهوت، سپس قوت غضب، کوشید و بعد به تکمیل قوت نظری، و بعد حفظ قواعد عدالت توفیر باید نمود. (همان: ۱۵۴ - ۱۵۳)

بعد از سلامت نفس و حفظ آن، نوبت به تحلی اوصاف و نیل به مراتب بالادستی کمالات است و در انتها، بحث از اکمال غیر به میان می‌آید. طوسی توجه به سعادت دیگران را که وظیفه اولیای الهی است، (همان: ۶۳ - ۶۲) آخرین مرتبه سعادت می‌داند:

سعادت مستلزم جود است؛ زیرا استیفای لذت سعادت در افشای فضیلت و اظهار حکمت است. جود سعید به کریم‌ترین رعائب است؛ یعنی اکمال غیر. (همان: ۹۹)

جدول (۲) بیان‌کننده الگوی طوسی در طریق نیل به مراتب سعادت است.

او با نقل گزارش بوعلی از بیان ارسطو، پله‌ها و مراتب نیل به سعادت را چنین سامان می‌دهد:

۱. نیل به اعتدال قوا؛ ۲. توجه به نیل کمالات بالادستی؛ ۳. توجه به سعادت و اکمال غیر:

(۱. نیل به مرتبه اعتدال قوا) اول مراتب فضایل که آن را سعادت نام کرده‌اند، آنست که ارادت و طلب در امور محسوس که تعلق به نفس و بدن دارد، صرف کند و تصرف او از اعتدال ملائم با آن امور خارج نشود. (۲. کسب فضیلت الهی و مراتب بالادستی سعادت) مرتبه دوم آنکه ارادت و همت در امر افضل از اصلاح حال نفس و بدن کند و مراتب این نوع بسیار است... تا به مرتبه فضیلت الهی صرف باشد. (۳. توجه به سعادت و خیر دیگران) آخر مراتب فضیلت آن بود که افعال مردم همه الهی محض شود و خیر محض و حکمت محض شود، که فعلش به قصد اولی برای نفس فضیلت و خیر است و رسیدن خیر به دیگری، به قصد ثانوی است. (همان: ۹۲ - ۸۹)

جدول (۲): الگوی طوسی در پله‌های طریق نیل به مراتب سعادات

مراتب فرعی		مراتب نیل به سعادت	ردیف
معالجه امراض نفس		۱	مرتبۀ اول
تعدیل شهوت	نیل به سلامت و صحت نفس	۲	
تعدیل غضب			
تعدیل قوت نظری			
تعدیل قوت عملی: عدالت قوا			
حفظ سلامت نفس		۳	
ملازمت سلوک طریق فضایل و شوق به تحلی به اوصاف و معرفت الهی		تحلی به اوصاف و فضایل بالادستی	مرتبۀ دوم
مراتب اولیای الهی		اکمال غیر	مرتبۀ سوم

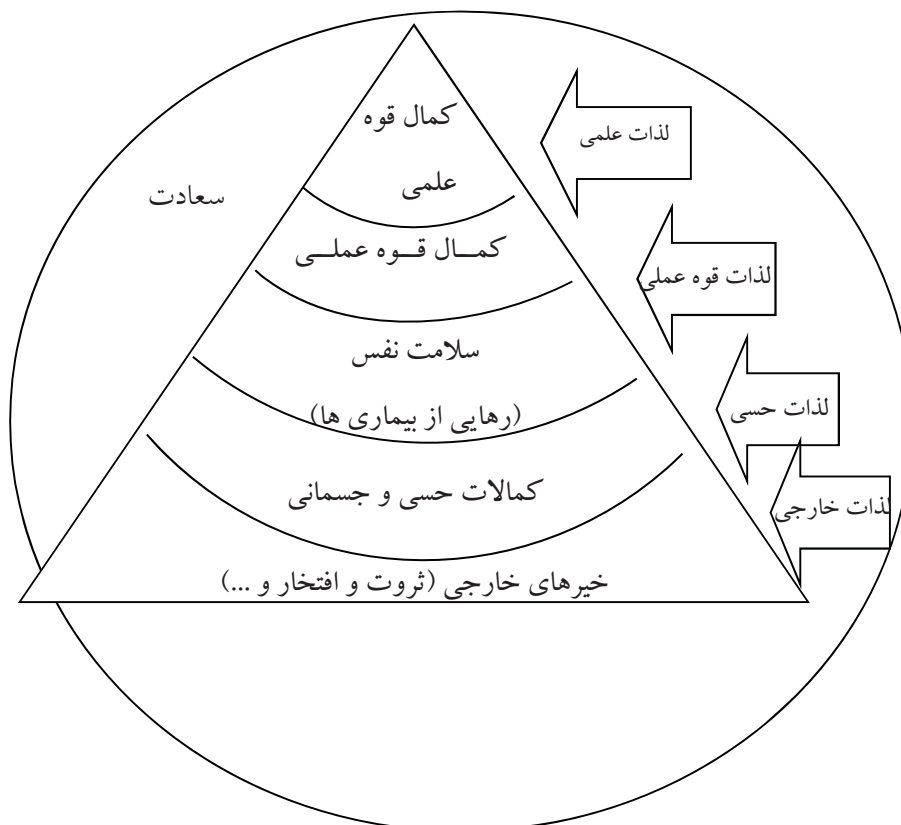
### (و) الگو و هرم ارزشی مؤلفه‌های سعادت

برآیند این جستار آن است که می‌توان هرم ارزشی سعادت نزد طوسی را طراحی نمود. به اعتقاد وی، برای سعادت‌مند خواندن فردی، حداقل شرایطی لازم است که البته پس از اطلاق لفظ «سعید» بر وی، سعادت او به تنوع مراتب کمال، دارای مراتب می‌گردد. او سعادت را به لذت تحلیل کرده است و لذت هم نزد او دارای مراتب است. مراتب لذت به سبب مراتب کمال است و کمال در بالاترین مراتبش، کمال نفس ناطقه آدمی است. نفس ناطقه دارای دو نوع کمال قوه عقل نظری و کمال قوه عقل عملی است که طوسی کمال علمی را در موضعی بر کمال عملی، اولی و اشرف می‌داند. با این بیان، بالاترین مرتبه از سعادت، لذت از کمال علمی و سپس لذت از کمال قوه عملی انسان (عدالت) است. اکتساب دیگر فضایل نفس نیز با تحقق عدالت محقق می‌گردد. سلامت نفس و رهایی از آلام و رذایل، از دیگر مراتب کمال است. بر این اساس، فضایل و دوری از رذایل، از شرایط و ارکان ضروری و لازم سعادت‌اند.

طوسی در جاهایی، نیل به کمال‌ها و خیرات حسی و بدنی در حد اقتصاد و ضرورت را نیز از شرایط تحقق سعادت می‌داند. همچنین خیرهای خارجی در برخی مواضع، از شرایط لازم سعادت است. اگر چنین دیدگاهی را بپذیریم، در مراتب پایین‌دستی، کمال‌های بدنی و خارجی نیز از

شرایط و ارکان ضروری سعادت خواهند بود. حال اگر کمال‌ها و خیرهای خارجی را مکمل سعادت بدانیم، خارج از سعادت خواهند بود و اگر زمینه‌ساز و ابزار نیل به سعادت بدانیم نیز خارج از سعادت خواهند بود. طوسی در شرح اشارات، صحت و سلامت و دیگر کمالات بدنی را کمال و خیر و متعلق لذت دانسته است. (طوسی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۴۳ - ۳۴۱) بر این اساس، یکی از انواع کمالات، کمالات بدنی است و از دیدگاه طوسی، این کمالات داخل در سعادت انسان‌اند. نمودار (۱)، هرم ارزشی مراتب سعادت نزد طوسی.

نمودار (۱): هرم ارزشی مراتب سعادت نزد طوسی



### نتیجه

مکاتب اخلاقی فراوانی به تحلیل سعادت پرداخته‌اند؛ گذشته از نقادی آنها، ترسیم تحلیل

اندیشمندان مسلمان از سعادت بسیار مهم است. خواجه طوسی را در این میان برگزیدیم و در چهار ساحت کلی، به تحلیل او از سعادت پرداختیم: چیستی سعادت، ملاک سعادت، مراتب سعادت و مولفه‌های تحقق خارجی سعادت. سعادت وصفی برای صاحب آن از جهت نیل به لذت، یعنی ادراک و پژوهش از کمال است. کمال انسان دارای مراتب است و در بالاترین مراتب کمال، کمال نفس ناطقه آدمی است. کمال قوه علمی نیز به زعم طوسی، بر کمال قوه عملی اولویت دارد. در مرتبه پایین‌تر، نیل به اخلاق فاضله قوا و سلامت نفس است که سلامت نفس بدون پاکی از رذایل و آلام و بیماری‌های نفسانی امکان‌پذیر نیست.

بنابراین نیل به فضایل قوا و سلامت نفس نیز از دیگر مراتب کمال و به تبع آن، ادراک کمال و سعادت است. دیدگاه طوسی در باب لذت‌های بدنی و خیرهای بدنی و خارجی متفاوت است. وی در جایی از *اخلاق ناصری*، نیل به خیرهای بدنی و خارجی را در حد ضرورت از مراتب پایین‌دستی و از شرایط سعادت می‌داند. با این بیان، هرم ارزشی سعادت نزد وی که خلاصه‌ای از مراتب کمال نزد او و مراتب لذت به تبع مراتب کمال است، ترسیم می‌گردد. بر اساس هرم ارزشی طوسی از سعادت، راه‌ها و الگوی نیل به مراتب کمال و سعادت نیز آشکار است. مرتبه پایین‌دستی کمال، اولین مرتبه سعادت و اولین گام است و این سیر تا نیل به مرتبه عقل مستفاد ادامه می‌یابد.

## منابع و مأخذ

۱. ابن رشد، محمد بن احمد، ۱۹۵۰، *مقالة هل يتصل بالعقل الهیولانی العقل الفعال*، قاهره، بی‌نا.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۴۰۴، *الشفاء (الالهیات)*، به تحقیق سعید زائد و...، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی.
۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳، *رساله نفس*، با مقدمه و حواشی و تصحیح دکتر موسی عمید، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، چ ۲.
۴. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۰، *رسائل ابن سینا*، (رساله فی السعادة)، ج ۱، قم، بیدار.
۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۱، *المباحثات*، توضیح مقدمه و تحقیق از محسن بیدارفر، ج ۱، قم، انتشارات بیدار، چ ۱.
۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳، *المبدأ و المعاد*، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، موسسه مطالعات

- اسلامی، چ ۱.
۷. ابن مسکویه رازی، ۱۳۸۱، *تهذیب الاخلاق*، ترجمه و توضیح علی اصغر حلبی، تهران، اساطیر، چ ۱.
۸. ارسطو، ۱۳۸۱، *اخلاق نیکوماخس*، ترجمه سید ابوالقاسم پورحسینی، ج ۲ - ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲.
۹. افلاطون، ۱۳۹۰، *جمهور*، مترجم فؤاد رحمانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱۳.
۱۰. افلوپین، م ۱۹۹۷، *تاسوعات افلوپین*، ملاحظات: تعریف از دکتر فرید جبر و مراجعه و تصحیح از دکتر جیرار جهامی و سمیح دغیم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، چ ۱.
۱۱. جوادی، محسن، ۱۳۷۸، «تبيين و نقد نظریه سعادت در فلسفه ارسطو»، رساله دکتری به راهنمایی جلال‌الدین مجتبی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. روان‌بخش، کاظم، ۱۹۵۰، *زندگانی و شخصیت خواجه نصیرالدین طوسی*، تهران، بی‌جا، بی‌نا.
۱۳. طوسی، نصیرالدین، ۱۳۸۷، *اخلاق ناصری*، به تصحیح و تنقیح مجتبی مینوی - علیرضا حیدری، تهران، خوارزمی، چ ۶.
۱۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۱، *اساس الاقتباس*، به تصحیح مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، چ ۳.
۱۵. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۷، *تجربید الاعتقاد*، به تحقیق حسینی جلالی، دفتر تبلیغات اسلامی، چ ۱.
۱۶. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۵، *تلخیص المحصل معروف به نقد المحصل به انضمام رسائل و فوائد کلامی*، (الرسالة النصيرية)، بیروت، دارالاضواء، چ ۲.
۱۷. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۳، *روضه التسليم یا کتاب تصورات*، به تصحیح ولادیمیر ایوانف، تهران، جامی.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵، *شرح الاشارات و التنبیها*، ج ۲ و ۳، قم، نشر البلاغة، چ ۱.
۱۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۳۵، *فصول*، و ترجمه تازی آن از رکن‌الدین محمدبن علی گرگانی استرآبادی، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.



۲۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۷۱، *الجواهر النضید*، به تصحیح محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، چ ۵.
۲۱. \_\_\_\_\_، ۱۴۲۷ ق، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، تحقیق و تعلیق حسن حسن زاده آملی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۱۱.
۲۲. فارابی، ابونصر، ۱۹۹۵، *آراء اهل المدينة الفاضلة و مضاداته*، مقدمه و شرح و تعلیق از دکتر علی بوملحم، ج ۱، بیروت، مکتبه الهلال، ط ۱.
۲۳. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳، *تحصیل السعادة*، بی جا، بی نا.
۲۴. \_\_\_\_\_، ۱۹۸۷، *التنبیه علی سبیل السعادة*، تحقیق جعفر آل یاسین، بیروت، ط ۲.
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۹۹۶، *السیاسة المدنية*، مقدمه و شرح از دکتر علی بوملحم، بیروت، مکتبه الهلال، ط ۱.
۲۶. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۵، *فصول منتزعة*، تحقیق و تصحیح و تعلیق از دکتر فوزی نجاء، تهران، مکتبه الزهراء علیها السلام، چ ۲.
۲۷. فرانکنا، ویلیام کی، ۱۳۷۶، *فلسفه اخلاق*، ترجمه هادی صادقی، با مقدمه مصطفی ملکیان، قم، مؤسسه فرهنگی طه، چ ۱.
۲۸. کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۰، *تاریخ فلسفه*، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، ج ۱، تهران، سروش و علمی - فرهنگی، چ ۴.
۲۹. کندی، یعقوب بن اسحاق، ۱۹۵۰، «رسالة فی القول فی النفس»، ضمن *رسائل الکندی الفلسفیه*، قاهرة، دار الفکر العربی.
۳۰. گنسلر، هری. جی، ۱۳۸۵، *درآمدی جدید به فلسفه اخلاق*، برگردان حمیده بحرینی، ویراسته مصطفی ملکیان، تهران، نشر آسمان خیال.
۳۱. مک اینتایر، السدر، ۱۳۹۰، *در پی فضیلت (تحقیقی در نظریه اخلاقی)*، ترجمه دکتر حمید شهریاری، دکتر محمدعلی شمالی، تهران، سمت.
۳۲. ملاصدرا، ۱۹۸۱، *الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، ج ۹، بیروت، دار احیاء التراث، چ ۳.
۳۳. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۰، *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*، تصحیح و تعلیق از سید جلال الدین آشتیانی، مشهد، مرکز الجامعی للنشر، چ ۲.

۳۴. \_\_\_\_\_، ۱۳۵۴، *المبدأ و المعاد*، به تصحیح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، انجمن حکمت و فلسفه ایران.

۳۵. محبوبی آرانی، حمیدرضا، ۱۳۹۱، «فضیلت و سعادت در اندیشه سقراطی»، *متافیزیک*، س سوم، ش ۱۴، ص ۸۲-۶۵.

36. Aristotle, 1984, *The Complete Works of Aristotle* (The Revised Oxford Translation in 2 vols), edited by Jonathan Barnes, Princeton, Princeton University Press): *Nicomachean Ethics*, translated by W. D. Ross, Revised by J. O. Urmson and *Rhetoric*, translated by W. Rhys Roberts.

37. Broadie, Sara, 1991, *Ethics with Aristotle*, Oxford.

38. Hardi, W.F.R, 1967, *The Final Good in Aristotle's ethics: A Collection of Critical Essays*, ed. G.M.E Moravcsik, New York.

39. Plato, 1997, *Plato Complete Works*, edited by John M. Cooper and associate editor D. S. Hutchinson, Hackett: (Crito, translated by G.M.A.Grube/Euthydemus, translated by Rosamond Kent Sprssgue/Republic, translated by G.M/Symposium, translated by Alexander Nehamas and Paul/Woodruff.)